

❖ نگرشهای نمونه‌ای از زنان باسواد روستائی ❖ ❖ دربارهٔ موانع توسعه و عوامل مؤثر ❖ ❖ در انگیزه مهاجرت ❖

□ دکتر شهرناز مرتضوی □

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

مقدمه

فرآیند توسعه مشروط بر مشارکت زنان در کلیه امور توصیف می‌شود و در این رابطه سهم بالقوه زنان روستائی و کشاورز که درصد قابل توجهی از جمعیت زنان جهان را تشکیل می‌دهند، اکثراً نادیده گرفته می‌شود (معروفی پروین ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹)^۱

در این گزارش، از دیدگاه روانشناسی اجتماعی شرایط روانی - رفتاری گروهی از دختران و زنان باسواد روستائی که می‌توانند، در صورت ادامه حضور در محیط‌های روستائی، به فرآیند توسعه در زمینه کشاورزی و دیگر امور روستائی سرعت بخشند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور پاسخ‌های نمونه‌های زنان باسواد روستائی (نمونه‌هایی از دانش‌آموزان دختر دوره چهارساله دبیرستان و سال سوم راهنمایی روستائی و همچنین نمونه‌هایی از معلمین روستائی) که به‌منظور شناسائی موانع پیشرفت زنان روستائی به مشارکت دعوت شده و پرسشنامه‌هایی را تکمیل کردند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.^۲

۱. معروفی پروین ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹

۲. هزینه پژوهشی این طرح به‌وسیله معاونت طرح و برنامه - مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی - وزارت کشاورزی تأمین شده است.

۱- نقش زن در کشاورزی و توسعه

اکثر تحقیقات در زمینه توسعه، بر لزوم مشارکت زنان در همه فعالیت‌های اقتصادی بعنوان نیروی انسانی مفید و کارآمد صحه می‌گذارند.

در گزارشی از فائو ۱۹۹۲^۱ آموزش تحلیل جنسیتی که به منظور ادغام بیشتر زنان در برنامه‌های توسعه تدوین شده است، روشی مؤثر برای مقابله با موانع موجود از نظر فعال تر شدن زنان در توسعه نامیده می‌شود.

در گزارش دیگری از فائو (۱۹۸۰)^۲ گفته می‌شود، نیمی از زنان جهان درگیر کار کشاورزی هستند ولی در آمارهای رسمی به دلیل عدم استفاده درست از روشهای جمع‌آوری اطلاعات و توصیف و تحلیل‌های آماری، از زنان بعنوان جمعیت غیرفعال یاد می‌شود.

ماگیر پاتریسیا (۱۹۸۴)^۳ گزارش می‌کند، فقط ده درصد درآمد جهان متعلق به زنان است. نویسندگان از این آمار و درصد بالای بیسوادی زنان نتیجه می‌گیرند، برنامه‌های توسعه تاکنون، نه تنها برای زنان مفید نبوده بلکه زندگی را برای آنان مشکل تر کرده است.

داس مایترای ۱۹۹۲^۴ از پژوهشی که به سفارش بانک جهانی و در یک منطقه کویری انجام شده است، عوامل مهم پیشرفت زنان در گروه‌های متشکل را چنین می‌نامد:

۱- تعلیم و تربیت، ۲- قابلیت دستیابی زنان به اطلاعات ۳- ارتباط داشتن زنان با یکدیگر و ۴- تبادل نظر و دستیابی به برنامه‌ای مؤثر و همه جانبه. کمک دولتها و سازمان‌های غیر دولتی نیز در این رابطه مهم تلقی می‌شود. نوربگم نجمیر (۱۹۸۸)^۵ با توجه به سهم زنان در اقتصاد ملی، از پژوهشی که درباره عوامل مؤثر در استخدام و کمبود کار و درآمد برای زنان روستائی بنگلادش انجام داده است به این نتیجه می‌رسد که، فقدان آموزش، مهارت و سرمایه و همچنین کمبود موقعیت‌های کاری امکان‌کارایی را برای زنان محدود می‌کند.

1. FAO 1992.

2. FAO 1980.

3. Maguire, P. 1984.

4. Das, Maitreyi. 1992.

5. Nurbegum, Najmir. 1988.

رودا (۱۹۹۱)^۱ با فراتر گذاشته و زنان را عوامل تأثیرگذار فعال بر محیط زیست توصیف می‌کند. وی توصیه می‌کند، دولت‌ها و جوامع محلی باید زنان را به عنوان شخصیت‌های مرکزی و اصلی مدیریت محیط زیست در نظر گیرند.

در نتیجه‌گیری از اکثر بررسی‌هاییکه بیشتر در محیط‌های روستائی کشورهای جهان سوم انجام شده‌اند، سطح سواد و دانش کم زنان کشاورز و روستائی و در نتیجه عدم دسترسی آنان به منابع و اطلاعات از یکسو و عدم مشارکت فعال آنان در امور خود و کمبود کار از سوی دیگر، مهمترین عوامل بازدارنده فعال شدن زنان کشاورز و روستائی در فرآیند توسعه ذکر می‌شود. تحقیقاتی که درباره تأثیر افزایش سطح سواد در محیط‌های روستائی انجام شده‌اند، نشان می‌دهند، کسب سواد و دانش می‌تواند تأثیری دوگانه بر محیط‌های روستائی داشته باشد. بطوری که در تحقیق فرهاد ماهر^۲ (۱۳۷۵) نیز مشاهده می‌شود، بهبود سطح سواد ممکن است فرآیند مهاجرت از روستا به شهر را تشدید کند. اما اگر مهاجرت انجام نشود، روستائیان با سوادتر می‌توانند بعنوان نیروهائی مؤثر در جهت توسعه بکار گرفته شوند.

عوامل مؤثر در مهاجرت را بر دو نوع «رانش»^۳ و «کشش»^۴ تفکیک می‌کنند. قره‌باغیان^۵ (۱۳۷۵) عوامل «رانش» محیط‌های روستائی را «غیراقتصادی شدن فعالیت‌های کشاورزی، توزیع ناعادلانه زمین، رشد جمعیت و ثابت ماندن بازده تولید در بخش کشاورزی و غیره» و «عوامل کشش» را دوگانگی منطقه‌ای و تخصیص بیشتر منابع در بخش‌های شهری (خدمات و صنعت)، بهتر بودن سطح زندگی در مناطق شهری و غیره» (ص: ۷) تعریف می‌کند.

نظر فرهاد ماهر^۲ (۱۳۷۵) بر اینست که: «با آنکه مهاجرت روستا - شهر از لحاظ نظری امری مطلوب است و در راستای توسعه اجتماعی - اقتصادی عمل می‌کند، اما به نظر می‌رسد که در کشورهای جهان سوم آثار منفی بر توسعه داشته باشد.» (ص: ۱۹۱).

1. Roda Annabel. 1991.

۲. ماهر ۱۳۷۵

3. Rush Factors.

4. Pull Factors

۵. قره‌باغیان ۱۳۷۵.

۲- موضوع و اهداف گزارش

این پژوهش به روش «عطف بامسابق»^۱ انجام شده است (مرتضوی ۱۹۷۰).^۲ براساس این گونه پژوهشها می‌توان فرضیه‌های دقیق‌تر بیان کرد. در این گزارش با اشاره بر اهمیت نقش زنان روستائی و کشاورز در توسعه، پیش‌بینی می‌شود، با ایجاد موقعیت‌های شغلی مناسب‌تر برای زنان باسوادتر روستائی و با جذب و به‌کارگرفتن آنان در آموزش و مدیریت امور روستائی و به‌خصوص کشاورزی بتوان قدم‌های مؤثری در جهت سیاستهای توسعه کشاورزی برداشت. در فرآیند توسعه، متخصصین بر لزوم جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستائیان بویژه در کشورهای جهان سوم تأکید می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود، با برنامه‌ریزی کارآمد و ایجاد موقعیت‌های شغلی مناسب برای زنان باسواد روستائی و جذب آنان در محیط‌های بومی خود، نیل به اهداف زیر محتمل‌تر شود.

اول اینکه با جلوگیری از گسترش مهاجرت زنان روستائی به شهرها، بطوریکه در گزارش فرهاد ماهرنیز بدان اشاره می‌شود، قدمی در جهت پیشرفت و نیل به سیاست‌های توسعه در کشورهای در حال رشد برداشته می‌شود. دیگر اینکه از بروز برخی مشکلات محتمل اجتماعی - اخلاقی مربوط به فرآیند سازگاری زنان مهاجر روستائی با شرایط محیط‌های شهری جلوگیری می‌شود.

در کشور ما نیل به اهداف توسعه در محیط‌های روستائی از سوئی با توجه به پائین بودن سطح سواد زنان و از سوی دیگر با توجه به معیارهای شرعی و اخلاقی تأمین نیروی انسانی زنانه باسواد که بتواند در مدیریت امور روستائی و کشاورزی زنان (آموزش و ارتقای سطح آگاهی زنان روستائی و ترویج دانش فنی و کشاورزی آنان، تقسیم کار و تشویق به مشارکت، آموزش روشهای بهره‌برداری از تعاونی‌ها و مؤسسات اعتباری...) بطور مؤثر عمل کند، مفید و سازنده خواهد بود. با ایجاد شغل برای زنان باسواد روستائی در محیط‌های بومی خود، می‌توان از آنان برای آموزش و ارتقای سطح آگاهی دیگر زنان روستائی و کشاورز که نصف جمعیت

1. EX- post-facto.

جهان را تشکیل می دهند (گزارش فائو^۱ ۱۹۸۰)، برای نیل به اهداف توسعه استفاده کرد. البته نیل به چنین هدفی مشروط بر بکارگیری مدیریت نیروی انسانی باسواد خواهد بود.

مقایسه سرشماریهای عمومی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۵^۲ ایران بیانگر آنست که در ایران نیز امکانات لازم برای تحصیل دختران روستائی در مقایسه با پسران روستائی رو به افزایش گذاشته است. نسبت تعداد دانش آموزان دختر به پسر در روستاها و در دوره راهنمایی، در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به ترتیب و به طور تقریبی ۱۲ به ۲۰ (۰/۵۹)، ۱۶ به ۲۳ (۰/۷۰) و ۲۳ به ۲۷ (۰/۸۵) و در دوره دبیرستان ۳ به ۶ (۰/۵۱) و ۱۱ (۰/۵۲) و در سال ۷۵، ۱۲ به ۱۴ (۰/۸۵)^۳ بوده است.

با توجه به آمار و ارقام فوق، پیش بینی می شود، اگر برای دختران روستائی باسوادتری که تعداد آنان رو به افزایش است موقعیت های شغلی مناسبی در محیط های روستائی برنامه ریزی نشود، آنان نیز با مهاجرت به شهرها از یکسو بر معضلات اجتماعی افزوده و از سوی دیگر محیط های بومی خود را از دانش خود که در رابطه با توسعه بسیار مورد نیاز است، بی بهره خواهند گذاشت. برای اینکه بتوان برای دختران و زنان باسواد روستائی ایرانی نیز در رابطه با فرآیند توسعه برنامه های مؤثر تهیه کرد، لازمست نخست اطلاعاتی درباره شرایط جمعیت شناختی و روانشناختی آنان در دسترس برنامه ریزان قرار گیرد.

مشارکت یکی از شاخص های توسعه است و هنگامی می تواند مؤثر و مفید واقع شود که براساس دانش لازم برای نیل به اهداف انجام گیرد. زیرا مشارکت از دیدگاه علم روانشناسی اجتماعی به معنی همکاری در تعیین اهداف، تصمیم گیری و برنامه ریزی می باشد (هلر و همکاران ۱۹۹۸)^۴. (موجیک و رایمان ۱۹۸۹)^۵، در این رابطه می نویسند: «مشارکت، متقارن است با تصمیم گیری در جالی که (دستور) به فرایند اجرای تصمیم های گرفته شده، اطلاق می گردد» (ص ۳۴۶).

1. FAO, 1980.

۲. گزیده سرشماری نفوس. اردیبهشت ۱۳۷۶.

۳. بعنوان مثال (۰/۵۹) یعنی نسبت دانش آموزان دختر به پسر دوره راهنمایی روستاها کمی از نصف بیشتر است.

4. Heller et al. 1998.

5. Muczyk, J.P. & Reimann, B.C. (1989).

با توجه به اهمیت مشارکت در تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه، نمونه‌هایی از دختران باسواد روستائی و دبیران مدارس دخترانه همان مدارس بمنظور شناسائی عواملی که مانع از پیشرفت زنان روستائی می‌شوند و همچنین علل رشد انگیزه مهاجرت، به مشارکت دعوت شدند.

۲- نمونه تحقیق و روش اجراء

از نمونه معرف جمعیت دبیرستان‌های دخترانه و روستائی ۱۴ استان تقاضا شد، دانش‌آموزان یک کلاس از هر مدرسه و پنج نفر از مسئولین مدرسه (مدیر، معلم، معاون، مسئول امور تربیتی و دفتردار) پرسشنامه‌های ارسالی را تکمیل کنند^۱.

نمونه مورد بررسی ۸۰۴ دانش‌آموز و ۱۵۳ نفر از مسئولین را در بر می‌گیرد. در این بررسی اطلاعات مربوط به پرسشنامه‌های ۹ استان که تکمیل و برگردانده شد، مورد بررسی و تحلیل و تفسیر آماری قرار گرفت.

۲-۱: پرسشنامه تحقیق

بوسیله پرسشنامه تنظیم شده دو نوع اطلاعات زیر جمع‌آوری شد:

الف) اطلاعات جمعیت‌شناختی مانند: نوع پاسخگر (دانش‌آموز، معلم، مدیر، معاون و یا مسئول امور تربیتی)، سن، مدت زندگی در روستا، جنس، آخرین شغل پدر، آخرین شغل مادر، محل کار پدر (روستا، شهر و یا هردو)، در اختیار داشتن رادیو، در اختیار داشتن تلویزیون. ب) اطلاعات روان‌شناختی.

در رابطه با اطلاعات روان‌شناختی از پاسخگرها خواسته شد علل رشد انگیزه مهاجرت زنان روستائی به شهرها و موانع پیشرفت و کارائی زنان روستائی را به وسیله یک مقیاس پنج درجه‌ای (خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵)) ارزیابی کنند.

۱. نمونه‌برداری اولیه بوسیله دکتر سیامک نوریلوچی متخصص آمار و ریاضی انجام شده است (شهرناز مرتضوی ۱۳۷۶).

۳- توصیف و تحلیل داده‌ها

۳-۱: نمونه دانش‌آموزی

نمونه دانش‌آموزی این پژوهش از میان جمعیت مدارس دخترانه روستائی در سطح کشور انتخاب شده است و مجموعاً ۸۵۱ دانش‌آموز را در بر می‌گیرد. در این نمونه سن متوسط دانش‌آموزان $14/73$ و میانگین مدت زندگی آنان در روستا ۱۴ سال است. ۵۸۱ نفر ($68/3$ ٪) آنان در دوره راهنمایی و ۲۷۰ نفر ($31/7$ ٪) در دوره دبیرستان تحصیل می‌کنند.

محل کار ۱۶۲ نفر (19 ٪) از پدران دانش‌آموزان واقع در نمونه در شهر، ۴۶۹ نفر ($55/1$ ٪) در روستا و ۱۵۰ نفر ($17/6$ ٪) در شهر و روستا است و در مورد پدر ۷۰ دانش‌آموز ($8/2$ ٪) محل کار مشخص نشده است. از نظر شغل پدر، بزرگترین گروه شغلی از کشاورز ($44/8$ ٪) تشکیل می‌شود. مادران دانش‌آموزان واقع در نمونه اکثراً خانه‌دار ($90/5$ ٪) هستند. ۷۸۴ نفر نمونه ($92/1$ ٪) تلویزیون و ۶۷۷ نفر ($79/5$ ٪) رادیو دارند. این داده‌ها مجموعاً بیانگر اینست که از طریق رادیو و تلویزیون نیز می‌توان اطلاعات آموزشی در اختیار نمونه قرار داد.

۳-۱۲: اطلاعات روانشناختی

با بررسی پاسخ‌های ارائه شده به تک‌تک گویه‌ها معلوم می‌شود، دختران دانش‌آموز با اتفاق نظر زیاد ($S = 1/22$) عقیده دارند: «زندگی کردن زنان باسواد در روستاها، در پیشرفت روستاها بسیار مؤثر ($M = 4/13$) است و یکی از موانع پیشرفت زنان اینست که اکثر مروجین کشاورزی مرد هستند ($S = 1/17$ $M = 4/03$). نظر دانش‌آموزان دختر همچنین مبنی بر اینست که لوازم ترویج کشاورزی فقط به مردان واگذار می‌شود ($S = 1/37$ $M = 3/45$).

۳-۱۲۱: شاخص‌ها

از مجموع گویه‌های پرسشنامه چهار (شاخص)^۱ به نام عامل «فرهنگ»، «اقتصاد»، «انگیزه مهاجرت» و «مجموع موانع» محاسبه شد. ضرائب «کرونباخ

آلفا^۱ نشان داد (۰/۶۰ تا ۰/۸۱) هرچهار شاخص از «ثبات درونی»^۲ کافی برخوردار هستند. شاخص‌های مورد بررسی در این تحقیق عبارتند از:

الف) شاخص عامل «اقتصاد»

این شاخص از گویه‌های زیر تشکیل می‌شود:

زنان درآمد کافی ندارند، در روستا ترقی شغلی زنان کم است، نداشتن زمین کافی، عدم دسترسی به بازار فروش، عدم دسترسی مستقیم به وام‌های بانکی، عدم دسترسی به تعاونی‌ها، اطلاعات فنی کم، محدودیت دسترسی به کود و بذرخوب، نداشتن دسترسی به وثیقه برای بانک‌ها، بیسوادی اکثر زنان.

ب) شاخص عامل «فرهنگ»

امکانات بازآموزی کم برای زنان، کم بودن استقلال عمل زنان، زایمان زیاد، صرف زمان زیاد برای نگهداری از کودکان، تقسیم سنتی کار که به زنان فشار زیاد می‌آورد، موقعیت‌های اجتماعی پست‌تر، آداب و رسوم حاکم بر روستاها، واگذاری لوازم ترویج فقط به مردان، تعلق داشتن بیشتر زمین‌های کشاورزی به مردان، اکثر مروجین کشاورزی مرد هستند.

ج) مقیاس «انگیزه مهاجرت»

مقیاس انگیزه مهاجرت از دو گویه تشکیل می‌شود: شما چقدر دوست دارید به شهر مهاجرت کنید، و خود شما از زندگی در روستا چقدر راضی هستید.

د) شاخص «مجموع موانع»

این شاخص از مجموع گویه‌های دو شاخص اقتصادی و فرهنگی تشکیل می‌شود.

۱۲۲-۳: مقایسه پاسخ‌های دانش‌آموزان دوره‌های دبیرستان و راهنمایی

پاسخ‌های دانش‌آموز دختر سال سوم راهنمایی ($N = 486$) و چهار سال دبیرستان ($N = 252$) از نظر هرچهار شاخص بوسیله آزمون t (استیودنت مستقل) مقایسه شد. این بخش از بررسی نشان داد، دانش‌آموزان دوره دبیرستان به‌عوامل بازدارنده، (اقتصادی) ($t = 7/83$)، (فرهنگی) ($t = 5/93$) و به‌مجموع موانع، ($t = 7/35$) اهمیت بیشتری ($P < /...$) از دانش‌آموزان دوره راهنمایی می‌دهند ولی از نظر انگیزه مهاجرت بین دو گروه دانش‌آموز فوق تفاوت معنی‌دار مشاهده نمی‌شود.

آنگاه بوسیله آزمون t (استیودنت) وابسته، میانگین پاسخ‌های دانش‌آموزان به شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی مقایسه شد ($t = 12/24, p = /...$). میزان t نشان می‌دهد، دانش‌آموزان، عوامل فرهنگی، را ($M = 3/35, s = 0/64$) و هم‌تراز، عوامل اقتصادی، ($M = 3/00, s = 0/80$) ارزیابی می‌کنند.

۱۲۳-۳: مقایسه پاسخ‌های دانش‌آموزانی که پدرشان در شهر، روستا و یا در هردو کار می‌کنند

برای مقایسه پاسخ‌های دانش‌آموزانی که پدرانشان در شهر، روستا و یا هردو کار می‌کنند به‌تک‌تک شاخص‌ها، تحلیل واریانس‌ها (ONEWAY) انجام شد. این بررسی نشان داد، بین پاسخ‌های سه گروه فوق فقط از نظر شاخص عامل (اقتصاد)، تفاوت معنی‌دار مشاهده می‌شود و معلوم می‌شود گروهی که پدرانشان هم در شهر و هم در روستا کار می‌کنند در مقایسه با گروهی که در روستا کار می‌کنند، به‌موانع (اقتصادی) اهمیت بیشتر می‌دهند ($F = 3/17, P < 0/04$).

۱۲۴-۳: ضریب همبستگی انگیزه مهاجرت با شاخص‌ها

بین شاخص انگیزه مهاجرت و شاخص‌های عامل اقتصاد، فرهنگ و مجموع موانع، ضریب همبستگی، پیرسون محاسبه شد و در هیچ یک از موارد تقارن معنی‌دار مشاهده نشد.

۲- ۳: اطلاعات جمعیت‌شناختی

تعداد مسئولین مورد بررسی در این بررسی ۱۵۳ نفر، سن متوسط آنان ۲۷/۶۹ و میانگین مدت زندگی آنان در روستا ۱۴/۷۹ سال است. ۱۲۴ نفر (۸۱/۰٪) آنان زن، ۸ نفر (۵/۲٪) مرد هستند و ۲۱ نفر (۱۳/۷٪) جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند. ۱۰۴ نفر (۶۸٪) در دوره راهنمایی و ۴۹ نفر (۳۲٪) از مسئولین واقع در نمونه در دوره دبیرستان تدریس می‌کنند. اکثر آنان (۸۲/۴٪) تلویزیون و (۸۰/۴٪) رادیو دارند.

۲۲- ۳: داده‌های روانشناختی

این بررسی نشان می‌دهد، مسئولین با اتفاق نظر (با توجه به انحراف معیار کم پاسخ‌ها)، اظهار می‌دارند: «تقسیم کار و درآمد در خانواده روستائی غیر عادلانه است» ($M = 3/76$ و $S = 1/08$)، «اکثر زنان کشاورز و روستائی سواد ندارند» ($M = 4/27$ ، $S = 1/09$)، «زایمان زیاد سلامت زنان را به خطر می‌اندازد» ($M = 4/19$ ، $S = 1/04$) و ادامه «زندگی زنان باسواد در روستاها در پیشرفت خیلی مؤثر است» ($M = 4/28$ ، $S = 1/06$).

۲۲۱- ۳: مقیاس‌ها و شاخص‌ها

همانند داده‌های دانش‌آموزان، برای اطلاعات گردآوری شده از مسئولین نیز چهار شاخص بنام‌های عامل «فرهنگ»، «اقتصاد»، «انگیزه مهاجرت» و «مجموع موانع» محاسبه شد. محاسبه ضرائب «کرونباخ آلفا» نشان داد، هر چهار شاخص از ضرائب ثبات قابل توجه (بین ۰/۶۹ و ۰/۸۶) برخوردار هستند.

۲۲۲- ۳: مقایسه پاسخ‌های مسئولین دوره‌های دبیرستان و راهنمایی

پاسخ‌های مسئولین سال سوم راهنمایی و چهار سال دبیرستان‌های روستائی از نظر شاخص‌های چهارگانه (تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی، انگیزه مهاجرت و مجموع موانع) بوسیله آزمون t (استیودنت مستقل) مقایسه شد و در هیچ یک از موارد تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد.

۲۲۳ - ۳: مقایسه نظر مسئولین درباره اهمیت شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی به منظور مقایسه اهمیت عوامل «اقتصادی» ($M = 3/40, s = 0/62$) با «فرهنگی» ($M = 3/70, s = 0/67$) بعنوان موانع پیشرفت و کارآیی زنان روستائی از دیدگاه مسئولین مدارس دخترانه روستائی، آزمون t (استیودنت وابسته) بعمل آمد ($t = -5/60, p = /000$). این آزمون بیانگر اینست که مسئولین نیز به تأثیر عوامل فرهنگی، بطور معنی دار اهمیت بیشتری از عوامل اقتصادی می دهند.

۲۲۴ - ۳: مقایسه پاسخ‌های مسئولین و دانش‌آموزان

مقایسه میانگین پاسخ‌های دانش‌آموزان و مسئولین (آزمون t مستقل) به شاخص‌ها بیانگر این است که مسئولین تأثیر عوامل «اقتصادی»، ($t = -4.83$) «فرهنگی» ($t = -4.72$) و «مجموع موانع» ($t = 5.54$) را بطور معنی دار مؤثرتر از دانش‌آموزان ارزیابی می‌کنند. آنان همچنین انگیزه «مهاجرت» بیشتری از دانش‌آموزان ابراز می‌دارند ($t = -4.81, p < 0/000$).

۴- نتیجه‌گیری

فرض اولیه این پژوهش مبنی بر اینست که در محیط‌های روستائی کشور نیز هر نوع رشد و تحول از نظر توسعه، مشروط بر مشارکت نیروی انسانی باسواد می‌باشد. زیرا مشارکت به معنی همکاری و شرکت در تعیین اهداف و برنامه‌ها، بشرطی می‌تواند در جهت توسعه عمل کند که براساس سواد و دانش لازم برای نیل به اهداف انجام گیرد.

پیش‌بینی می‌شود با شناسائی موانع موجود و رفع آن‌ها از یکسو و ایجاد موقعیت‌های شغلی مناسب برای دختران و زنان باسواد روستائی از سوی دیگر، بتوان قدم‌های مؤثری در جهت توسعه برداشت.

با تأکید بر اینکه موفقیت برنامه‌های توسعه تابع مشارکت افراد ذینفع در تصمیم‌گیریها ذکر می‌شود، در این بررسی، نمونه‌ای از دختران و زنان روستائی باسواد به مشارکت دعوت شدند، تا در شناسائی موانع موجود در محیط‌های روستائی و در تبیین میزان انگیزه مهاجرت مشارکت کنند. بدین منظور پرسشنامه‌ئی

تهیه و به‌استانهای واقع در نمونه ارسال شد (مجموعاً ۸۰ مدرسه) و تقاضا شد از هر مدرسه حدود ۱۵ دانش‌آموز دختر و ۵ نفر از مسئولین به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند.

پرسشنامه‌های ۹ استان (۸۰۴ دانش‌آموز و ۱۵۳ نفر از مسئولین) از نظر آماری مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور ۴ شاخص زیر (که هم در نمونه دانش‌آموز و هم مسئولین از ضرائب ثبات کافی برخوردار هستند) محاسبه شد:

- شاخص، موانع اقتصادی، پیشرفت زنان کشاورز،
- شاخص موانع فرهنگی پیشرفت زنان کشاورز،
- شاخص انگیزه مهاجرت دختران و زنان باسواد روستائی و
- مقیاسی که از مجموع عوامل بازدارنده موجود در پرسشنامه تشکیل می‌شود.

این بررسی نشان داد:

- بزرگترین گروه شغلی پدران دانش‌آموزان کشاورزی است و مادران آنان اکثراً خانه‌دار می‌باشند. محل کار پدران فقط در حدود نیمی از موارد «روستا» ذکر شده است و بقیه یا در شهر و یا هم در شهر و هم در روستا کار می‌کنند و اکثر دانش‌آموزان و مسئولین رادیو و تلویزیون در اختیار دارند. نظر دختران دانش‌آموز با اتفاق نظر زیاد براینست که «اکثر مروجین کشاورزی مرد هستند» و یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت زنان کشاورز اینست که «لوازم ترویج کشاورزی فقط به مردان واگذار می‌شود».

گروه مسئولین تأثیر عوامل زیر را با اتفاق نظر (زیاد) توصیف می‌کنند:

«تقسیم کار و درآمد در خانواده روستائی غیر عادلانه است»، «زایمان زیاد سلامت زنان را به‌خطر می‌اندازد» و «اکثر زنان کشاورز و روستائی سواد ندارند». نظر هردو گروه، یعنی دانش‌آموزان و مسئولین براینست که «زندگی کردن زنان باسواد در روستاها، در پیشرفت روستاها بسیار مؤثر است».

مقایسه پاسخ‌های دانش‌آموزانی که پدرانشان در شهر، روستا و یا هردو کار می‌کنند (تحلیل واریانس‌ها) نشان می‌دهد، گروهی که پدرانشان هم در شهر و هم در روستا کار می‌کنند، به موانع «اقتصادی» بیش از گروهی که فقط در روستا کار

می‌کنند، اهمیت می‌دهند.

دانش‌آموزان دوره دبیرستان در مقایسه با سال سوم دوره راهنمایی به عوامل بازدارنده «اقتصادی» و «فرهنگی» اهمیت بیشتری می‌دهند ولی بین دو گروه فوق از نظر میزان انگیزه مهاجرت تفاوتی مشاهده نمی‌شود. مسئولین میزان بازدارندگی عوامل «اقتصادی»، «فرهنگی» و «مجموع موانع» را بطور معنی‌دار بیشتر از دانش‌آموزان ارزیابی می‌کنند. مسئولین همچنین انگیزه مهاجرت بیشتری از دانش‌آموزان ابراز می‌دارند.

آزمون t (استیودنت وابسته) بیانگر این است که هم دانش‌آموزان و هم مسئولین تأثیر «عوامل فرهنگی» را بیشتر از «عوامل اقتصادی» ارزیابی می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد، دختران و زنان روستائی باسواد کاملاً از شرایط حاکم آگاه هستند و حضور زنان باسواد را در محیط‌های روستائی از مهمترین عوامل پیشرفت ذکر می‌کنند.

توصیه می‌شود در مدیریت این بخش از نیروی انسانی از یکسو، با استفاده از وسائل ارتباط جمعی و بیان قوانین صریح و دیگر روش‌ها در جهت کاهش بازدارنده‌های «فرهنگی» و «اقتصادی» اقدام شود و از سوی دیگر، با سازماندهی مجدد ساختارهای جوامع روستائی و ایجاد امکانات شغلی مناسب، بویژه برای زنان روستائی باسواد، از مهاجرت بی‌رویه آنان به شهرها جلوگیری شود.

فهرست منابع

- فروغ احسانی - مسئله جنسیت و تأثیر آن بر تولیدات کشاورزی در مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۱۶، ۱۳۷۵ صفحه ۱۴۱ تا ۱۶۴
- مرتضی قره‌باغیان - تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارائی چاپ اول - بهار ۱۳۷۵
- فرهاد ماهر - آثار سواد بر مهاجرت‌های روستا - شهر «یک مطالعه موردی»
- مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۴، سال چهارم ۱۳۷۵ صفحه ۱۹۰ تا ۲۰۳ شهرناز مرتضوی - آشنائی با روانشناسی بین فرهنگی - انتشارات دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۷۰.
- شهرناز مرتضوی - توصیف فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط.
- سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس - ۱۳۷۶
- معروفی پروین (مترجم)، تلاشهای فراموش شده زنان در عرصه کشاورزی.

زیتون، ش ۹۵ (بهمن و اسفند ۶۸)، ص ۹-۶، ش ۹۵ (فروردین ۶۹) ص ۱۲-۱۰ و ۵۰
مقایسه گزیده نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کل کشور ۱۳۶۵-۱۳۷۵ سازمان
برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران. اردیبهشت ۱۳۷۶.

Das, Maitreyi, The women's Development Program in Rajasthan: A Case Study in Group
Formation for Women's development. The World Bank, 1992.

FAO. "Victims of Old-Fashioned statistics". Rome, Fao Review on Agricultural
Development, No. 75, (1980), P.29-32.

FAO. Women in Agricultural Development. Rome, Fao: No. 7 , 1992. p24.

Heller, F., Pusic, E., Strauss G., and wilpert, B. (1998)

Organizational Participation - Myth and Reality. Oxford University press. UK.

Maguire, Patricia. Women in Development: An Alternative Analysis.

U.S.A., Center for International Education. 1984.

Muczyk, J.P., & Reimann, B.C. (1989). The case for directive leadership In J.W.
Newstorm, & K. Davis (Eds). Organizational Behavior (pp. 343-360). New York, Mc.
Graw Hill.

Nurbegum, Najmir. Pay or purdah: Women and Income Earning in Rural Bangladesh.
New Zealand (Massey University), Sohug Printers 1986-8.

Roda Annabel. Women and the Environment. New Jersey - London, Zed Bookds Ltd.
1991.